

## تشدید اختناق با دستگیری‌های مداوم و احکام غیرانسانی اعدام و گسترش اعتراضات در ایران!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

وضعیت ایران از هر نظر بحرانی و خطرناک است؟ ایران در روزهای اخیر با بحران‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو شده است. افزایش قیمت دلار و سکه، کمبود و گرانی مواد غذایی، قطعی مکرر برق، بحران دارو، همراه با تهدیدها و سرکوب‌های شدید فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و جنبش‌های اجتماعی، تنها بخشی از مشکلاتی است که زندگی روزمره مردم را تحت تاثیر قرار داده است.

کمبود و گرانی دارو، به بحرانی مضاعف تبدیل شده است. مسئولان حوزه دارو هشدار داده‌اند که قیمت برخی داروهای خاص ممکن است با افزایش ۷۰۰ تا ۸۰۰ درصدی مواجه شود. در عین حال، داروخانه‌داران نیز اعلام کرده‌اند که در آستانه ورشکستگی قرار دارند، چراکه سازمان تامین اجتماعی مطالبات آن‌ها را پرداخت نمی‌کند.

استراتژی حکومت در حل این بحران‌های دامنه‌دار و تکراری کمبود برق و سوخت، ارائه راه‌حل‌های موقتی مانند تعطیلی ادارات و تغییر ساعت بانک‌ها یا راه‌حل‌های خطرناکی مانند استفاده از مازوت برای سوخت نیروگاه‌ها در فصل سرما بوده که «ریه‌های شهروندان» را هدف قرار می‌دهد و بیماری سرطان را گسترش می‌دهد.

جمهوری اسلامی به ارباب، سرکوب و شلیک به سوی تظاهرکنندگان و بازداشت‌های گسترده متوسل شده است. ادامه این وضع به کجا می‌رسد؟ به گفته کارشناسان، مردم ایران در زمره نگران‌ترین، خشمگین‌ترین و مضطرب‌ترین مردم جهان‌اند، اعتراض‌ها و اعتصاب‌های مختلف در طول سال نشان‌دهنده این واقعیت است. گروه‌های زیادی مانند پزشکان، کارگران و معلمان مطالبات فراوانی دارند، اما موانع و سرکوب حاکمیت باعث می‌شوند این خشم‌ها فروخورده شوند و ... علاوه بر سرکوب‌های حکومتی و اعمال قوانین انحصارگرایانه، افزایش مشکلات اقتصادی و گسترده‌تر شدن فقر در ایران در سال‌های اخیر نیز از جمله مهم‌ترین دلایل افزایش بحران‌های اجتماعی و تشدید افسردگی و اختلال‌های روحی در جامعه ایران محسوب می‌شود.



حسین خاتمی

### تشدید سرکوب و اختناق

بر اساس گزارش‌ها حسین خاتمی، زندانی سیاسی پیشین در دهه ۶۰ در تهران بازداشت شد. حسین خاتمی زندانی دهه شصت که اکنون بیش از هفتاد سال دارد، چهارم بهمن ۱۴۰۳ در دفتر انتشاراتی محل کارش در تهران توسط ماموران لباس شخصی بازداشت شد و پس از دو روز به بازداشتگاه اطلاعات شهر مشهد منتقل گردید.

حسین خاتمی که بیش از هفتاد سال دارد به بیماری‌های قلبی و دیابت مبتلا است به داروهای خود دسترسی ندارد و وضعیت سلامتی او در خطر است. وی بازنشسته است و سال‌های مدیدی است که به کار رسمی و علنی نشر کتاب مشغول است. مسئولین امنیتی هنوز علت دستگیری و وضعیت او را به خانواده اطلاع نداده‌اند.

خانواده و دوستان حسین خاتمی، حکومت اسلامی را مسئول جان سلامتی حسین خاتمی می‌دانند و خواهان آزادی این انسان فرهنگی و شریف هستند. براساس گزارشات مختلف، بازداشت گسترده شهروندان در شهرهای مختلف ادامه دارد. سه‌شنبه ۲ بهمن ماه ۱۴۰۳، شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران حکم ۸۱ سال زندان برای فعالین آذربایجانی را عیناً تایید کرد. احکام صادره این دادگاه علیه مرتضی پروین جدا، آراز امان زین آباد، باقر حاجی‌زاده مزرعه، طاهر نقوی، سالار طاهرافشار، سعید مینایی قشلاق، حسن ابراهیمی، کرم مردانه مستملی بیگلو، آیاز سیف‌خواه، و فاطمه آتش خیابوی می‌باشد. طبق رای صادره، آیاز سیف‌خواه به ۱۴ سال زندان، آراز امان زین‌آباد و باقر حاجی‌زاده مزرعه هریک به ۱۳ حبس، کرم مردانه مستملی بیگلو به ۱۱ سال زندان، مرتضی پروین و طاهر نقوی هر یک به ۶ سال زندان، سعید مینایی قشلاق، فاطمه آتش خیابوی و سالار طاهر افشار هر یک به ۵ سال زندان و حسن ابراهیمی به ۳ سال زندان محکوم شده‌اند. اتهامات این زندانیان عبارتند از: اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور و جاسوسی.

پیش از این در اواخر مهرماه ۱۴۰۳، شش تن از فعالین آذربایجانی به بیش از ۵۰ ساله زندان محکوم شده بودند. روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳، جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده تعدادی از فعالین آذربایجانی به نام‌های: مرتضی پروین، طاهر نقوی، آیدا صدیقی، فاطمه آتشی، سهیلا اصغری، سعید جمال‌زاده، باقر حاجی‌زاده، کمال نوری و عبدالله واحدی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی برگزار شده بود.

طی تنها ۱۰ روز از تاریخ ۲۲ دی‌ماه تا ۳ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ فعال سیاسی آذربایجانی در تبریز تحت بازجویی قرار گرفته و با اتهام‌های سیاسی از جمله «عضویت در گروه غیرقانونی» و «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» روبرو شدند.

در تاریخ ۲۵ دی‌ماه شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران محکومیت ۹ فعال ترک آذربایجانی و وکیل طاهر نقوی را با اتهامات واهی تایید کرد. پیش‌تر در دادگاه بدوی، ابوالقاسم صلواتی، این افراد را مجموعاً به ۸۱ سال زندان و مجازات‌های اضافی محکوم کرده بود.

طی حکم صادره از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی، حسین پیری بابت اتهام اجتماع و تبانی به ۵ سال حبس، عبدالعزیز عظیمی قدیم بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس و بابت اتهام اجتماع و تبانی به ۵ سال حبس، آراز امان، ایاز سیف‌خواه و باقرحاجی‌زاده هر یک بابت اتهام جاسوسی به ۸ سال حبس و بابت اتهام اجتماع و تبانی به ۵ سال حبس و کمال نوری به ۳ سال حبس محکوم شده‌اند.

براساس اطلاعاتی که اخیراً شورای ملی مقاومت ایران منتشر کرده است، طی روزهای اخیر دست‌کم ۷ تن از هواداران مجاهدین خلق در شهرهای مختلف بازداشت شدند. براساس اطلاعاتی منتشر شده، اسامی بازداشت‌شدگان به این شرح بوده است:

- ۱- محمدعلی مهرگان فر ۶۶ ساله، زرقان فارس، از زندانیان سیاسی دهه ۶۰
- ۲- هدی مهرگان فر دختر محمد علی، ۳۵ ساله، مهندس ریاتیک
- ۳- اکبر باقری ۵۵ ساله، کرمانشاه، زندانی سیاسی از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲
- ۴- مرتضی رحمانی، ۴۷ ساله، تهران
- ۵- رضا آشورزاده ۵۳ ساله، تهران
- ۶- روح‌الله اسکندری ۳۸ ساله، شیراز
- ۷- حکیمه هنرمندی مادر روح‌الله اسکندری از شیراز

هم‌چنین در هفته‌های اخیر، ده‌ها شهروند و فعال کرد در استان‌های مختلف ایران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. این بازداشت‌ها که عمدتاً توسط سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات صورت گرفته، با اعتصابات و اعتراضات به صدور حکم اعدام برای وریشه مرادی و پخشان عزیززی، دو فعال کرد و البته تحولات منطقه‌ای مرتبط دانسته می‌شود.

بر اساس گزارش رسانه‌های حقوق‌بشری تنها در روز چهارشنبه ۱۰ بهمن پنج فعال کرد به نام‌های محی‌الدین خالدیان، وهاب خدیری‌پور، رحمان رحیم‌پور، جلال پرهیزکار و سرور همه‌نازدار در شهرهای سنندج، مهاباد و سقز دستگیر و به بازداشتگاه‌های اطلاعاتی در سنندج و ارومیه منتقل شده‌اند.

این در حالی است که یک روز پیش‌تر در ادامه موج بازداشت‌ها در مناطق کردنشین خبر بازداشت دست‌کم ۷ شهروند و فعال دیگر به نام‌های حسن خلیلی، محمد رضانی، صادق کوردی، فرهاد زندی، مهدی جوانمردی، چیاکو قربه و منصور مولودپوری توسط نیروهای امنیتی در شهرهای سردشت، مهاباد، پیرانشهر، سنندج و دهگلان توسط رسانه‌ها منتشر شده بود.

بازداشت فعالان کرد در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. در سال ۲۰۲۴، طبق گزارش سالانه شبکه حقوق بشر کردستان، دست‌کم ۴۷۴ شهروند و کنشگر سیاسی کرد در استان‌های مختلف ایران به دلایل سیاسی بازداشت شدند.

طیف نیروهای بازداشت شده و شهرها و استان‌هایی که دستگیری‌ها در آن‌ها گسترش یافته است نشان می‌دهد که این بازداشت‌های کور صرفاً در هراس از خیزش محتمل است.



نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از اواخر آذرماه ۱۴۰۳ سرکوب گسترده‌ای را در شهرهای استان خوزستان آغاز کرده و شمار قابل توجهی از شهروندان را بازداشت کرده‌اند. تاکنون هویت دست کم ۶۹ تن از بازداشت‌شدگان احراز شده است. بسیاری از این بازداشت‌ها با خشونت همراه بوده و خانواده برخی از بازداشت‌شدگان برای روزها در بی‌خبری مطلق به سر برده و از سرنوشت عزیزان‌شان هیچ اطلاعی نداشته‌اند.

احمد حمیدی، سخن‌گوی سازمان حقوق بشری کارون، درخصوص این بازداشت‌ها به کمپین حقوق بشر ایران گفت: «بازداشت‌های این چنینی در خوزستان و اهواز سابقه داشته است؛ این شکل از بازداشت‌های جمعی افراد همیشه در مقاطعی بوده است که حاکمیت تصور می‌کرده ممکن است اعتراضات خیابانی در سطح جامعه بیشتر شود. در واقع می‌خواهند با این کار، به‌نوعی مانع از شکل‌گیری و گسترش اعتراضات را بگیرند.»

به گفته این فعال حقوق بشر، «افرادی که در هفته‌های گذشته بازداشت شدند از اقشار مختلف جامعه بودند و نمی‌توان گفت که از گروه خاصی بودند. مثلاً در بین بازداشت‌شدگان از فعال صنفی و مدنی تا نویسندگان و شاعران و فعالان فرهنگی و هم‌چنین اهل تسنن (مذهبی) حضور داشتند.»

احمد حمیدی در شرح روند این بازداشت‌ها و مقایسه آن با اعتراضات قبلی در شهرهای خوزستان می‌گوید: «در گذشته مثلاً در دوران اعتراضات خیزش ژینا و یا قبل‌تر در اعتراضات آبان ۹۸ بازداشت‌های زیادی در شهرهای خوزستان صورت گرفت. اما باید به یک نکته هم توجه داشت که ماموران امنیتی از سال ۲۰۰۵ به بعد هر ساله و با نزدیک شدن سالگرد انتفاضه اهواز همواره شروع به بازداشت‌های این چنینی می‌زنند. (اشاره به اعتراضات سال ۱۳۸۴ در برخی شهرهای استان خوزستان است که پس از انتشار نامه‌ای از سوی مقامات دولت وقت در خصوص تغییر جمعیتی شهروندان عرب، شروع شد و در جریان آن معترضان به شدت سرکوب شدند)

احمد حمیدی، با تأکید بر گستردگی بازداشت‌ها در میان افراد و اقشار مختلف جامعه گفت: «در میان بازداشت‌شدگان، دختر جوانی که در منطقه لشگرآباد اهواز یک کتاب‌فروشی کوچک داشته، بازداشت شده است. یا مثلاً نویسنده‌ای که داستان‌های کوتاه برای کودکان به زبان عربی می‌نوشت، در میان بازداشت‌شدگان است. موضوع اینجاست که گستردگی این بازداشت‌ها نه فقط بابت اقشار مختلف، بلکه در شهرهای گوناگون اتفاق افتاده است؛ سوسنگرد، اهواز، خرمشهر، ماهشهر و رامشیر.»

در جریان این بازداشت‌ها، نیروهای اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی شرکت داشتند. در آبان ۹۸، بسیاری از شهروندان از طبقه کم‌برخوردار جامعه و شهر بودند و در این بازداشت‌ها، برخی از بازداشت‌شدگان از میان کسانی بودند که در آن اعتراضات شرکت کرده بودند یا از آن زمان تحت نظر نیروهای امنیتی و اطلاعاتی بودند.»

در یک ماه گذشته، از ابتدای سال جدید میلادی، دست کم ۳۸ نفر در زاهدان بازداشت شدند که برخی از آن‌ها از جمله اعضای یک خانواده پنج نفره به مکانی نامعلوم منتقل شدند.

کمپین فعالان بلوچ گزارش داده است که در سال ۲۰۲۴، دست کم ۴۰۰ شهروند بلوچ، از جمله پنج زن و ۳۰ نوجوان، توسط عوامل نظامی جمهوری اسلامی بازداشت شده‌اند. علاوه بر این، حداقل ۱۰۱ زندانی بلوچ نیز در سال ۲۰۲۴ اعدام شدند که این امر نشان‌دهنده اعمال نامتناسب مجازات اعدام بر جوامع اقلیت است. بیش‌تر این افراد به اتهامات مرتبط با مواد مخدر محکوم شده بودند، که طبق قوانین بین‌المللی غیرقانونی است، زیرا مجازات اعدام باید تنها برای «جدی‌ترین» جرایم اعمال شود.

در تاریخ ۹ بهمن ۱۴۰۳ نیروهای امنیتی در شهر دلگان، ابوال بامری، شهروند ۳۰ ساله بلوچ را به ضرب گلوله کشتند. به گزارش رسانه حال‌وش، نیروهای امنیتی بدون هشدار به خودروی بامری شلیک کردند که منجر به زخمی شدن او و یکی از سرنشینان شد. پس از بیرون کشیدن او از خودرو، او را از فاصله نزدیک با شلیک‌های متعدد به قتل رساندند. سرنشین دیگر نیز بازداشت شد.

منابعی به حال‌وش گفتند: «نیروها او را از خودرو بیرون کشیده و از فاصله دو متری چندین بار به او شلیک کردند و او را کشتند. سپس بدون ارائه هیچ توضیحی، جسد بامری را با خود بردند.»

## دانشجویان دانشگاه تهران خواهان اتحاد در اعتراض به کشته شدن امیرمحمد خالقی شدند

امیرمحمد خالقی درمیان، دانشجوی ۱۹ ساله دوره کارشناسی رشته مدیریت کسب و کار دانشگاه تهران، شامگاه ۲۴ بهمن در محله‌ای نزدیک به کوی دانشگاه به دست سارقان و با سلاح سرد هدف قرار گرفت و جان باخت.

شورای صنفی دانشجویان در بیانیه‌ای اعلام کرده که ناامنی در محوطه در پشتی کوی دانشگاه تهران که زمینه را برای حمله و قتل این دانشجو فراهم کرد، هر هفته رخ داده است.

در ادامه اعتراض‌ها به کشته شدن امیرمحمد خالقی درمیان، دانشجوی دانشگاه تهران، دانشجویان این دانشگاه و همچنین دانشگاه تربیت مدرس در یکشنبه ۲۸ بهمن تجمع اعتراضی برگزار کردند و شعاری از جمله «اگر با هم یکی نشیم یکی کشته می‌شیم» سردادند.

دانشجویان دانشگاه تهران در تجمع یکشنبه در صحن پردیس هنرهای زیبا راهپیمایی کردند. «ما تماشاگر نمی‌خواهیم به ما ملحق شوید»، «فکر نکنید یه روزه، قرار ما هر روز» و «کشته ندادیم که سازش کنیم، مسئول قاتل رو ستایش کنیم.» از جمله شعارهای دانشجویان بود.

دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس هم در فراخوان خود برای تجمع اعلام کردند که خواسته آنان تامین امنیت مسیر دانشجویان در خیابان‌های اطراف دانشگاه به جای امنیتی کردن فضای داخل دانشگاه توسط نیروهای حراست است.

هم‌چنین تصاویری از شعارنویسی و نصب برچسب‌های دست‌نویس دانشجویان در محوطه دانشگاه شهید بهشتی در حمایت از اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران منتشر شده است. مرگ بر خامنه‌ای و «خونی که ریخته می‌شه، با هیچی پاک نمی‌شه» از جمله این شعارها است.

شماره ۲۷ بهمن نیز مقابل کتابخانه مرکزی این دانشگاه تجمع کردند. دانشجویان دانشگاه تهران، جمعه نیز اقدام به برگزاری تجمع و «بست‌نشینی» روی زمین در حیاط کوی دانشگاه تهران کردند. نیروهای امنیتی و لباس شخصی نیز دانشگاه تهران را محاصره کردند که در پی آن، چهار نفر از دانشجویان بازداشت شدند. خبرنگار امیرکبیر شنبه گزارش داد با پافشاری دانشجویان دانشگاه تهران، هر چهار دانشجوی بازداشتی آزاد شدند. بنا بر این گزارش‌ها، بینی یک دانشجوی معترض به دست ماموران امنیتی شکسته شده است.

در همین حال خبرگزاری تسنیم، وابست هبه نهادهای امنیتی حکومتی، نوشت که بسیاری از دانشگاه‌های ایران، از جمله دانشگاه تهران، شریف و امیرکبیر باوجود قرار داشتن در مناطق پرتردد شهری، از زیرساخت‌های امنیتی و ایمنی کافی برخوردار نیستند. بر اساس این گزارش ۹۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شریف در فاصله پنج ماهه دی ماه ۱۴۰۲ تا اردیبهشت ۱۴۰۲ فرم‌های مربوط به زورگیری و سرقت تلفن همراه را پر کرده‌اند.

در همین حال محمدحسین نریمانی مسئول خوابگاه احمدی روشن، دانشگاه شریف گفت که مواردی نیز گزارش نشده، زیرا بسیاری از دانشجویان به بی‌فایده بودن پیگیری باور دارند.

او هم‌چنین گفت که پیش از گواشی یکی از کارکنان خوابگاه سرقت شده و استخوان ترقوه این فرد شکسته شده بود. پایتخت در نامنی؛ بودجه ۸۸ هزار میلیاردی نیروی انتظامی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود؟

در بودجه سال جاری، به ازای هر شهروند ایرانی، سالانه بیش از یک میلیون تومان، برای نیروی انتظامی بودجه در نظر گرفته شده است؛ بودجه ۸۸ هزار میلیارد تومانی که پلیس با آن در کوهستان یگان ویژه تاسیس کرده است، اما از شهروندان در قلب پایتخت می‌خواهد خودشان مراقب امنیتشان باشند. شامگاه چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه، امیرمحمد خالقی، دانشجوی دانشگاه تهران در حوالی خوابگاه دانشگاه تهران به دست زورگیرانی که لب تاپ او را دزدیدند، به قتل رسید. نهادهای صنفی دانشجویی، اعلام کردند نه تنها فضای اطراف خوابگاه دانشگاه تهران، بلکه خوابگاه سایر دانشگاه‌ها نیز امنیت ندارد. دانشجویان بارها درباره ناامن بودن معابر اطراف خوابگاه‌ها هشدار داده‌اند، با این وجود اقدامی برای تامین آن انجام نشده است.

در همین حال، نوشته‌ای طنز با این مضمون در فضای مجازی دست به دست می‌شود: «اگر مورد زورگیری قرار گرفتید، آرامش خود را حفظ کنید و فقط چند تار موی خود را بیرون بیندازید، پلیس به سرعت خود را خواهد رساند.» طنزی که دیدگاه شهروندان درباره عملکرد پلیس را نشان می‌دهد. در قانون بودجه سال ۱۴۰۳، مجلس شورای اسلامی حدود ۸۸ هزار میلیارد تومان برای فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (فراجا) در نظر گرفته است؛ بودجه این دستگاه، امسال نسبت به سال ۱۴۰۲، که حدود ۶۷ هزار میلیارد تومان بود، بیش از ۲۱ هزار میلیارد تومان، معادل ۳۲ درصد افزایش داشته است.

به عبارتی در سال جاری، جمهوری اسلامی به ازای هر شهروند ایرانی، بیش از یک میلیون تومان به فراجا اختصاص داده است. از کل بودجه فراجا، ۲۵۵ میلیارد تومان به سازمان عقیدتی سیاسی اختصاص داده شده است. مرکزی که ماموریت آن، رصد دائمی وفادارای پرسنل پلیس به جمهوری اسلامی و تقویت عقاید آنهاست.

در بودجه سال ۱۴۰۳، بیش از ۲۳ هزار میلیارد تومان، به طرح‌های ویژه فراجا اختصاص داده شده است. بودجه گشت‌های ارشاد با عناوینی مثل «طرح نور» معمولاً محرمانه است و از هم تفکیک نمی‌شود.

از زمان ریاست جمهوری حسن روحانی، در سال ۱۳۹۱، بخشی ذیل پیوست شماره «۱» بودجه‌های سالانه برای نیروی انتظامی با توضیح طرح احداث یگان‌های ویژه زیر عنوان اعتبارات متفرقه اضافه شده است. این طرح از سال ۱۳۹۱ آغاز و طبق برنامه ریزی، قرار است سال آینده (۱۴۰۴) به اتمام برسد. برای سال ۱۴۰۳ در بخش ساختمان این طرح، بیش از ۲۱ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است.

تعداد پرسنل فراجا در تهران بزرگ محرمانه است. اما با توجه به اظهارات آبان ماه ۱۴۰۳ علی مویدی، رئیس پلیس پیش‌گیری فراجا، درباره تعداد پرسنل پلیس در سطح کشور و جمعیت تهران، می‌توان تخمین زد که در تهران دست‌کم ۲۲ تا ۲۳ هزار نفر نیروی پلیس وجود دارد. کوچه جنت، محل عبور دانشجویان از خیابان اصلی، یعنی بزرگراه «جلال آل احمد»، به خوابگاه بوده و دانشجویان گزارش‌های متعددی درباره وقوع زورگیری در این کوچه داده بودند. پس از قتل خالقی، پلیس یک کیوسک در این محل نصب کرده است؛ این یعنی با وجود گزارش‌های متعدد، تا به حال این محل حفاظت مناسبی نداشته است.

از سال ۱۳۹۰، پس از آن‌که برخی از رسانه‌ها به حضور پسران و دختران در کوه‌های پایتخت و تفرج‌گاه‌ها اعتراض کردند، پلیس تهران بزرگ در دامنه کوه‌ها و پارک‌ها، از جمله در دارآباد، جمشیدیه، دربند، توچال، درکه، پارک پرواز، میدان بهروز، سعادت‌آباد، پارک جنگلی کوهسار و پارک آبشار، یگان کوهستان راه اندازی کرد.

نیروهای این یگان، عموماً برای جوانانی که در این مناطق با هم خلوت می‌کنند مزاحمت ایجاد می‌کنند. درحالی‌که در تهران تجمعات اعتراضی به قتل خالقی تشکیل شده است، پلیس تهران در پیامکی خطاب به شهروندان پایتخت نوشت: «برای جلوگیری از سرقت موبایل، از نمایش تلفن همراه در ملاءعام خودداری کرده و هرگز گوشی خود را روی میز مکان‌های عمومی مثل کافه و رستوران رها نکنید.»

پلیس تهران، همواره امنیت مراسم حکومتی را تامین می‌کند. علاوه بر پرسنل پلیس، این نیرو با بهره‌گیری از نیروهای وابسته خود، با عنوان «پلیس یار» برای گزارش عدم رعایت حجاب اجباری یا تامین امنیت انتخابات، همواره فعال بوده است. در انتخابات ریاست جمهوری زود هنگام سال ۱۴۰۳، که تیرماه برگزار شد، ۲۲۰ هزار نفر نیروی پلیس امنیت شعب اخذ رای را تامین کردند. علاوه بر این پنج هزار نفر «پلیس یار» هم به نیروی انتظامی در این زمینه کمک کردند. در فضای مجازی، ویدیوهایی از محل زندگی خالقی در خراسان جنوبی منتشر شده است. همچنین پست‌های امیر محمد خالقی در شبکه اجتماعی ایکس هم نشان می‌دهد او به ارزهای دیجیتال، گییم و دنیای فن‌آوری علاقه‌مند بود. برای چنین جوانی، لپ‌تاپ وسیله‌ای ضروری است. قیمت لپ‌تاپ در ایران با نرخ ارز رابطه مستقیمی دارد. در حال حاضر ارزان‌ترین لپ‌تاپ مناسب گییم در بازار ایران حدود ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان قیمت دارد. این رقم نه تنها برای یک دانشجو، بلکه برای یک فرد شاغل با درآمد ماهانه ۱۰ تا ۱۵ میلیونی رقم بالایی است. بنابراین یک زورگیری در ایران امروز، برابر از دست رفتن ۵۰ میلیون تومان، معادل از بین رفتن حقوق چند ماه یک شهروند است. موضوع زورگیری در سال‌های اخیر به خصوص در پایتخت رواج بیش‌تری یافته است. گزارش‌های متعددی نشان می‌دهد افزایش نرخ تورم و نامساعد بودن وضع اقتصادی، با افزایش نرخ سرقت و زورگیری رابطه مستقیمی دارد. از جمله روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی با استناد به آمارهای رسمی نشان داد طی ۱۰ سال گذشته به‌جز در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ که اقتصاد ایران ثبات نسبی را تجربه کرده است، میزان جرایم مربوط به سرقت و زورگیری همواره صعودی بوده و طی سال‌های پایانی این دهه نیز در بالاترین سطح خود قرار داشته است.

### «حراست موقع اعتراضات ۱۴۰۱ دانشجویان دختر را در خیابان روی زمین می‌کشید»

خبرنامه امیرکبیر پیش‌تر از آزادی موقت چهار دانشجویی خبر داد که در پی تجمعات اعتراضی دانشجویان به قتل امیرمحمد خالقی، دانشجوی خوابگاهی دانشگاه تهران در مقابل خوابگاه کوی دانشگاه، بازداشت شده بودند. در کانال تلگرامی «پایگاه خبری تحلیلی جنبش دانشجویی ایران» آمده است: «با پافشاری دانشجویان دانشگاه تهران، هر چهار دانشجوی بازداشتی دانشگاه تهران که در جریان یورش نیروهای لباس شخصی به کوی دانشگاه بازداشت شده بودند؛ ساعاتی پیش به‌طور موقت آزاد شدند.» در بخشی از بیانیه شب گذشته دانشجویان آمده است: «زندانی‌هایی که نام دانشگاه بر آن نهاده‌اند چه بر سر فرزندان مغموم و ناامید شما می‌آورند. اگر موردی کشف حجاب صورت می‌گرفت یا چند نفر شادی می‌کردند، چه غوغایی بر پا می‌کردند.» در تجمع شب گذشته کوی دانشگاه، دانشجویان از رئیس دانشگاه خواستند جزئیات مربوط به تمام اسناد و پیگیری‌های انجام شده را مشخصا و به شکل عمومی منتشر کند و به این شکل حسن نیت خود و این که موضوع برای او اهمیت دارد را نشان دهد. پیش‌تر مقام‌های حراست دانشگاه تهران در اطلاعیه‌ای اعلام کرده بودند «حادثه اطراف خوابگاه اتفاق افتاده و آنها مسئولیت داخل خوابگاه را دارند.» یکی از دانشجویان با بی‌شرمانه خواندن این اطلاعیه گفت: در زمان «جنبش زن، زندگی، آزادی» آن موقع که نیروهای حراست دانشگاه با اسم و رسم مشخص، نه نیروهای امنیتی بیرون، در وسط خیابان شانزده آذر که حوالی دانشگاه تهران است نه در داخل آن، با دانشجویان برخورد می‌کردند، و دختران را روی زمین می‌کشیدند، آیا آن موقع، حوالی دانشگاه تهران در حوزه استحضاطی شما بود؟» دانشجویان از نیروی انتظامی و شهرداری خواستند امنیت کوچه جنت و منطقه اطراف خوابگاه را تامین کنند. دانشجویان در بیانیه پایانی تجمع خود گفتند که «بارها پیش از اتفاق نسبت به عدم امنیت جان و مال دانشجویان به مسئولان هشدار داده شده بود.» یکی از همکلاسی‌های امیرمحمد خالقی هم در گفت‌وگو با همشهری‌نیوز گفت او «تخبه و خدای هوش مصنوعی» بود. این همکلاسی گفته است منطقه اطراف خوابگاه منطقه‌ای ناامن است و قبلا هم در موارد زیادی خفت‌گیری در آن رخ داده است. همکلاسی آقای خالقی اضافه کرده که «خفت‌گیرها» در محل معروف هستند و فقط طی یک هفته گذشته گوشی دو سه نفر از دوستان خودش را سرقت کرده‌اند. او همچنین گفت مکانی که آقای خالقی مورد حمله قرار گرفته شب‌ها آن قدر تاریک است که کسی جرات رفت و آمد ندارد و پیش‌تر هم برای پیگیری مسئله نامه‌ای به رئیس خوابگاه داده‌اند.

### فشارهای اقتصادی کمکرشکن

شهروندان روزه‌روز با فشارهای اقتصادی بیش‌تری روبه‌رو می‌شوند، در حالی که هیچ چشم‌اندازی برای بهبود اوضاع مشاهده نمی‌شود. جامعه در شرایط انفجار اجتماعی قرار گرفته و نارضایتی عمومی در حال گسترش است. پرسش اساسی این است که آیا جمهوری اسلامی با یک سقوط اقتصادی مواجه شده است یا این که هم‌چنان، به تعبیر رهبر جمهوری اسلامی، «در مسیر رسیدن به قله» قرار دارد؟

اکنون کشمکش‌های منطقه‌های و بین‌المللی جمهوری اسلامی افزایش یافته است. بحران انرژی در ایران به زنجیره‌ای از مشکلات بدل شده که هر سال تشدید می‌شود؛ و حالا در هفته‌های اخیر مردم مجبور به تحمل بی‌برقی، سرمای شدید و آلودگی هوا و... هم‌زمان شده‌اند. مشکل کمبود گاز در فصل سرما در سال‌های گذشته همواره وجود داشته اما امسال دولت را در وضعیتی کاملاً بحرانی قرار داده است. در حالی که در سال گذشته کسری گاز ۲۵۰ میلیون مترمکعب در روز اعلام شده بود، مقام‌های دولتی کمبود گاز را حدود ۳۵۰ میلیون مترمکعب در روز ارزیابی کرده‌اند.

در حالی که ایران با ۳۲ تریلیون متر مکعب ذخیره، دومین منبع بزرگ گاز طبیعی را در جهان داراست، حالا برای تامین سوخت نیروگاه‌های خود ناچار است برق صنایع را جیره‌بندی کند.

یکی از مهم‌ترین بحران‌های جاری، افزایش بی‌سابقه قیمت کالاهای اساسی است. نرخ برنج که در ابتدای سال بین ۱۰۰ تا ۱۱۰ هزار تومان بود، اکنون به ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان رسیده است.

قیمت گوشت نیز بین ۶۰۰ هزار تا یک میلیون تومان در نوسان است. افزایش مداوم قیمت مرغ، تخم‌مرغ، نان، روغن و سایر اقلام اساسی، امکان انتخاب را از خانوارها سلب کرده و بسیاری از اقشار جامعه را در تامین مایحتاج اولیه خود ناتوان ساخته است.

کمبود و گرانی دارو نیز به بحرانی مضاعف تبدیل شده است. مسئولان حوزه دارو هشدار داده‌اند که قیمت برخی داروهای خاص ممکن است با افزایش ۷۰۰ تا ۸۰۰ درصدی مواجه شود. در عین حال، داروخانه‌داران نیز اعلام کرده‌اند که در آستانه ورشکستگی قرار دارند، چراکه سازمان تامین اجتماعی مطالبات آن‌ها را پرداخت نمی‌کند.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی، در سخن‌رانی اخیر خود که به‌طور زنده از تلویزیون حکومت پخش شد، اقرار کرد: «ما با ناترازی جدی در حوزه‌های گاز، برق، انرژی، آب، مالی و محیط‌زیست مواجه هستیم. این بحران‌ها به حدی جدی هستند که می‌توانند به فروپاشی منجر شوند.» او هشدار داد که وضعیت کنونی به یک «نقطه بحرانی» رسیده است.

در هفته‌های گذشته، حکومت برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی، کشور را عملاً به تعطیلی کشاند. این اقدام، ضربه سنگینی به صنعت وارد کرده و خسارات مالی هنگفتی به‌همراه داشته است. با این حال، پاسخ حکومت تنها به عذرخواهی محدود شده است.

تمام بحران‌هایی که در چهار گوشه ایران وجود دارد به لحاظ ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک عوارضی را در منطقه ایجاد کرده و به‌نوعی این امکان را به‌ویژه در دهه گذشته به حاکمیت می‌دهد که اگر بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران در حال انباشت است، با قدرت‌گیری در منطقه و به‌منصه ظهور رساندن ایدئولوژی خود در منطقه نشان دهد که ظاهراً عملکرد موفقی داشته است.

اما اکنون جایگاه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای به‌شدت تضعیف شده است. حملات سنگین اسرائیل به مواضع حزب‌الله لبنان و سقوط حکومت اسد در سوریه، از جمله عواملی هستند که جمهوری اسلامی را در موقعیتی شکننده قرار داده‌اند.

در حالی که بحران‌های داخلی به‌شدت افزایش یافته، مقامات جمهوری اسلامی به جای رسیدگی به مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور، بر موضوعاتی هم‌چون مسائل منطقه‌ای و تسلیحاتی تمرکز کرده‌اند.

رهبر جمهوری اسلامی، هم‌چنان درباره غزه و لبنان سخن می‌گوید، فرماندهان سپاه از ساخت موشک‌های جدید صحبت می‌کنند و پزشکیان، به جای ارائه راهکار عملی، صرفاً به بیان جملات کلی و شعاری بسنده کرده و گاهی نیز نقش اپوزیسیون به خود می‌گیرد.

در سال‌گرد انقلاب ۱۳۵۷، شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر ضحاک» و «مرگ بر دیکتاتور» در شهرهای مختلف ایران بار دیگر طنین‌انداز شد. این شعارها که بازتابی از خشم عمومی نسبت به رهبر جمهوری اسلامی است، از ناراضی‌های گسترده در سراسر کشور حکایت دارد.

قطع برق، از کار افتادن وسایل ضروری، گرانی و دشواری خرید مواد غذایی، آلودگی هوا و سرخوردگی ناشی از سیاست‌های حاکمیت، از جمله عواملی هستند که موجب افزایش خشم عمومی شده‌اند.

## اعتراض مردم دهدشت

گروهی از مردم دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد در چند شب متوالی به خیابان آمدند و علیه حکومت شعارهایی سر دادند. گفته می‌شود که اعتراضات دهدشت علیه وضعیت اقتصادی و معیشتی است. در حالی که برخی از شبکه‌های اجتماعی نزدیک به حکومت ایران این اعتراضات را «درگیری‌های طایفه‌ای» عنوان کرده‌اند اما شعارهای سر داده‌شده در ویدئوهای منتشرشده از این اعتراضات نشان می‌دهند که اعتراضات علیه حکومت و سران آن بوده است.

معترضان در دهدشت شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «امسال سال خون است، سیدعلی سرنگون است»، «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» سر می‌دادند.

## وزیر کار و رفاه اجتماعی از توزیع لبنیات کوپنی از ماه آینده خبر داد

به دنبال تشدید بحران معیشتی در کشور، احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت مسعود پزشکیان، از توزیع لبنیات کوپنی خبر داد و اعلام کرد از ماه آینده ۶۵ هزار میلیارد تومان کالا برگ الکترونیکی توزیع می‌شود که بخشی از آن به لبنیات اختصاص دارد.

میدری شنبه ۲۷ بهمن در مراسم ۷۰ سالگی شرکت صنایع شیر ایران (پگاه) گفت سطح معیشتی مردم به دلیل تورم کاهش یافته و نقش صنایع لبنی کشور در این شرایط تعیین‌کننده است.

او با بیان این‌که از ماه آینده ۶۵ هزار میلیارد تومان کالا برگ الکترونیکی در اختیار مردم قرار می‌گیرد که بخشی از آن به لبنیات مربوط می‌شود، افزود شرکت پگاه با وجود مشکلات و هم‌چنین وجود بخش خصوصی، هنوز ۲۵ درصد بازار صنایع لبنی کشور را تامین می‌کند.

میدری با اشاره به زیان‌ده بودن بسیاری از صنایع دولتی در ایران هشدار داد: «مثلاً پتروشیمی ما باید سود بدهد، اما در حال زیان دادن است.»

پیش از این در ۲۲ بهمن، فاطمه مهاجرانی، سخن‌گوی دولت پزشکیان، از تصمیم دولت برای ارائه دو نوبت کالابری تا پایان سال جاری خبر داد. مهاجرانی از وضعیت اقتصادی وخیم این روزهای کشور که به بحرانی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده، به‌عنوان «تکانه‌های اقتصادی که طبقه محروم بیش از همه از آن آسیب می‌بیند»، نام برد.

حسین سلاح‌ورزی، رییس پیشین اتاق ایران، در واکنش به صحبت‌های مهاجرانی گفت: «بعد از ۴۶ سال حکمرانی، ارائه دو نوبت کوپن چه دستاوردی است؟ حقیقتاً باید اعتراف کرد رساندن ایران به این وضعیت اصلاً کار ساده‌ای نبود.»

وزیر کار پزشکیان نیز ۲۲ بهمن اعلام کرد با مبلغ ۱۵ هزار میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته‌شده برای این طرح، تنها می‌توان برای افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی، کالابری تخصیص داد.

او با بیان این‌که در مرحله اول تنها سه دهک از شهروندان کالابری دریافت خواهند کرد، افزود این طرح در نهایت حدود ۵۰ میلیون نفر را تحت پوشش قرار می‌دهد.

پزشکیان پیش‌تر با انتقاد از نظام تامین و عرضه کالا در کشور گفته بود تعداد زیادی از شهروندان دچار مشکل هستند و هفت دهک مردم ایران نیاز به دریافت بسته معیشتی دارند.

ماجرای کوپن و کالابری در ایران به سال ۱۳۵۹ بازمی‌گردد که ستادی موسوم به «بسیج اقتصادی کشور» در دولت شکل گرفت. نقش کوپن دهه ۷۰ در زندگی مردم کم‌رنگ‌تر شد اما تا پایان دهه ۸۰ و آغاز «پرداخت یارانه»، همچنان به حیات خود ادامه داد.

اکنون به‌نظر می‌رسد کوپن یا کالابری پس از بر سر کار آمدن چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی، از خاطرها به زندگی روزمره مردم بازگشته است.

### زیان ۷۰ هزار میلیارد تومانی ۱۰ شرکت دولتی؛ صدر فهرست زیان‌ده‌ترین‌ها به تولید برق و صدا و سیما رسید

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، امروز یک‌شنبه ۲۸ مرداد-۱۶ فوریه، گزارش داد: «نگاهی به لایحه بودجه ۱۴۰۴ کل کشور از رشد ۷۰ درصدی بودجه شرکت‌های دولتی در سال آینده حکایت دارد و اگرچه دولت ۱۰۰ همت سود سهام از این بخش پیش‌بینی کرده اما زیان ناشی از شرکت‌های دولتی همچنان پابرجاست.»

بر پایه این گزارش، دلایل عمومی رشد ۷۰ درصدی بودجه شرکت‌های دولتی در سال ۱۴۰۴ خورشیدی، تورم (اثربرداری بر هزینه مواد اولیه و نهادهای تولید)، رشد نرخ ارز و رشد حقوق و دستمزد است.

در این گزارش آمده است: «نگاهی به شرکت‌های زیان‌ده دولتی نیز نشان می‌دهد که اغلب این شرکت‌ها به بخش حوزه انرژی و برق اختصاص دارند و از همین‌جا می‌توان بخشی از علت ناترازی انرژی را در کشور جست و جو کرد.»

بر این اساس، شرکت‌های تولید نیروی برق حرارتی، صدا و سیما، خدمات حمایتی کشاورزی، سازمان بیمه سلامت، پالایش نفت آبادان، برق منطقه‌ای اصفهان، برق منطقه‌ای تهران، شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، برق منطقه‌ای مازندران، شرکت پخش فرآورده‌های نفتی ایران ۱۰ شرکت دولتی با بیشترین زیان محسوب می‌شوند.

در حالی که زیان شرکت تولید نیروی برق حرارتی ایران، به‌عنوان زیان‌ده‌ترین شرکت دولتی در سال ۱۴۰۲ خورشیدی از ۲۵ هزار میلیارد تومان فراتر رفته، زیان سالانه صدا و سیما نیز به آستانه ۱۵ هزار میلیارد تومان رسیده است.

در این گزارش، همچنین آمده است: «این شرکت‌ها در مجموع حدود ۶۹۸ هزار میلیارد ریال (۶۹۸ هزار میلیارد تومان) زیان در سال ۱۴۰۲ داشته‌اند. نکته قابل توجه این‌که از این ۱۰ شرکت، تنها ۲ شرکت در قانون بودجه سال ۱۴۰۲ به‌عنوان شرکت‌های زیان‌ده درج شده و باقی شرکت‌ها در لیست شرکت‌های سودده و سر به سر آمده بودند.»

این گزارش می‌افزاید: «بر اساس یک بررسی که مرکز پژوهش‌های مجلس از عملکرد شرکت‌های دولتی داشته است، به ترتیب سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، بانک مرکزی، ملی گاز ایران، سازمان بنادر و دریانوردی، شرکت تهیه و تولید مواد معدنی، شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی، شرکت ملی نفت، شرکت ملی پتروشیمی و پست بانک مهمترین شرکت سودده دولتی در سال گذشته بوده‌اند.»

ایرنا خاطرنشان کرد: «در این میان ایمیدرو حدود ۷۶۴ هزار میلیارد ریال (۷۶۴ هزار میلیارد تومان) سود در سال ۱۴۰۲ داشته و پس از آن بانک مرکزی با سودی حدود ۴۰۸ هزار میلیارد ریال (۴۰۸ هزار میلیارد تومان) در جایگاه بعدی قرار می‌گیرد؛ این شرکت‌ها در مجموع حدود ۲۰۸۹ هزار میلیارد ریال (۲۰۸۹ هزار میلیارد تومان) سود در سال ۱۴۰۲ کسب کرده‌اند.»

### انتشار رتبه‌بندی سالانه فساد؛ دانمارک صدرنشین پاک‌ترین‌ها ماند، ایران به رده ۱۵۱ جهان سقوط کرد

سازمان شفافیت بین‌الملل روز سه‌شنبه ۱۱ فوریه-۲۳ بهمن، شاخص سالانه فساد خود را منتشر کرد که نشان می‌دهد دانمارک همچنان در جایگاه اول به‌عنوان پاک‌ترین کشور از نظر فساد قرار دارد. این در حالی است که ایران جایگاهی بهتر از رده ۱۵۱ به دست نیاورده است.

برخی از کشورها در این گزارش بدترین وضعیت خود را در بیش از یک دهه اخیر تجربه کرده‌اند. این روند در قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده و فرانسه و همچنین کشورهای اقتدارگرا مانند روسیه و ونزوئلا مشاهده شده است.

شفافیت بین‌الملل، که شاخص «درک فساد» را هر ساله برای ۱۸۰ کشور جهان منتشر می‌کند، در گزارش خود آورده است: «سطح فساد جهانی همچنان به‌طور نگران‌کننده‌ای بالا است و تلاش‌ها برای کاهش آن با شکست مواجه شده است.»

این سازمان فساد در بخش عمومی را با استفاده از ۱۳ منبع داده مختلف از جمله بانک جهانی، مجمع جهانی اقتصاد و شرکت‌های مشاوره ریسک خصوصی اندازه‌گیری می‌کند.

ایران که از سال ۲۰۱۷ بدین سو همه‌ساله روندی نزولی را تجربه کرده است، امسال با یک امتیاز تنزل در رده ۱۵۱ این رتبه‌بندی جای گرفت. هر کشور در مقیاسی از ۰ (بسیار فاسد) تا ۱۰۰ (بسیار پاک) رتبه‌بندی می‌شود و ایران در رده‌بندی سالانه ۲۰۲۴ نتوانست نمره‌ای بهتر از ۲۳ کسب کند. دانمارک ۹۰ امتیاز به دست آورد و همچنان در جایگاه اول قرار گرفت. پس از آن فنلاند (با ۸۸ امتیاز) و سنگاپور (با ۸۴ امتیاز) در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. نیوزیلند نیز از رتبه‌ی سوم به چهارم سقوط کرد و با از دست دادن ۲ امتیاز به امتیاز ۸۳ رسید. در حالی که میانگین جهانی این نمره، بدون تغییر نسبت به سال ۲۰۲۳، در ۴۳ امتیاز باقی ماند؛ سودان جنوبی با تنها ۸ امتیاز در پایین‌ترین رتبه‌ی شاخص قرار گرفت و جای سومالی را که امتیازش به ۹ کاهش یافته است، گرفت. پس از این دو کشور، ونزوئلا (با ۱۰ امتیاز) و سوریه (با ۱۲ امتیاز) در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. این در شرایطی است که سازمان شفافیت بین‌الملل نسبت به ظهور برخی «فرصت‌های جدید برای مبارزه با فساد» پس از سقوط دولت بشار اسد در سوریه ابراز امیدواری کرده است. در رده‌بندی منتشره هم‌چنین ایالات متحده از ۶۹ امتیاز به ۶۵ سقوط کرد و از رتبه ۲۴ به ۲۸ رسید. فرانسه نیز چهار امتیاز از دست داد و از رتبه ۲۰ به ۲۵ سقوط کرد. آلمان هم با سه امتیاز کاهش، به ۷۵ امتیاز رسید و از رتبه ۹ به ۱۵ سقوط کرد. در این میان روسیه که در سال‌های اخیر افت شدیدی داشته، ۴ امتیاز دیگر از دست داد و به امتیاز ۲۲ رسید. سازمان شفافیت بین‌الملل تقویت ساختارهای انتخاباتی، اعمال بیش‌تر تفکیک قوا در نظام‌های سیاسی، قدرتمند ساختن شهروندان، روزنامه نگاران و همچنین اتخاذ تدابیر برای محافظت از فعالان را از راهکارهای بهبود وضعیت فساد در کشورها برشمرده است.

## نگران مقامات جمهوری اسلامی از گسترش اعتراضات

در عین حال که سناریوهای جنگ در میان است، برخی از مقامات جمهوری اسلامی گمان می‌کنند که حرکت‌های مردمی نیز در راه است. «محمد کاظمی»، رییس سازمان اطلاعات سپاه، می‌گوید: «تکیه بر مردم مهم‌ترین مولفه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است و دشمن هم با فهم این مهم به دنبال اجرای پروژه‌های تحریک اجتماعی و ایجاد گسست در میان مردم و حاکمیت مردمی ست.» او تأکید می‌کند که سپاه آماده «گره‌گشایی» از مشکلات اقتصادی است.

«مهدی سیاری»، جانشین اطلاعات سپاه در یک سخن‌رانی می‌گوید: «ساحتی که امروز نظام را حفظ کرده، ساحت مردم‌داری و دین‌داری است. راهبردی که امروز در مقابل حمله‌های دشمن بسیار مهم است ایجاد ثبات در داخل کشور است.» او در جای دیگری از سخنان خود بیان می‌کند که «امروز دشمن، رمز موفقیت نظام جمهوری اسلامی ایران را کشف کرده است. مکتب بزرگ، رهبر بزرگ و مردم بزرگ، سه ضلع مهم نظام است که دشمن در برنامه‌های خود بر روی این ابعاد تمرکز کرده است تا به آن آسیب بزند.»

برخی مانند نویسنده روزنامه اطلاعات که نگران از اعتراضات مردمی، بر ضرورت اصلاحات ساختاری و تصمیمات سخت اقتصادی در دولت پزشکیان تأکید دارد و هشدار می‌دهد که تاخیر در اقدام، بحران‌ها را تشدید و سرمایه اجتماعی دولت را تضعیف می‌کند. نویسنده ضمن اشاره به رشد تورم، نوسانات ارزی، کسری بودجه و کاهش قدرت خرید طبقات کارگری و کارمندی، تأکید دارد که دولت باید بدون تعلل و با شفافیت کامل، برنامه‌های خود برای عبور از شرایط تحریمی را ارائه دهد.

مسئله احتمال اعتراضات جمعی در حالی مطرح می‌شود که این روزها مردم در خیابان‌های دهدشت و دانشجویان دانشگاه تهران، پرستاران و... معترض‌اند و احتمال تسری یافتن آن به نقاط دیگر کشور وجود دارد. هم‌چنین خشم جمعی از این رویکرد جدید حاکمیت و فقدان آینده روشن، بر نگرانی‌های ایرانیان افزوده است. در سایه این احتمال، جمهوری اسلامی تنها گزینه‌های مذاکره با اروپا، مقاومت و جنگ را پیش روی خود می‌بیند.

## کشمکش‌های منطقه‌های و بین‌المللی جمهوری اسلامی

پزشکیان نیز در سخنرانی در مراسم ۲۲ بهمن سخنان خامنه‌ای را «فصل الخطاب» خواند و گفت: «ترامپ می‌گوید بیاید گفت‌وگو کنیم ولی تمام توطئه‌های ممکن علیه ایران را امضا می‌کند.»

علی خامنه‌ای نیز روز چهارشنبه صحبت‌های مسعود پزشکیان در مراسم حکومتی ۲۲ بهمن را «راهگشا و حرف دل مردم» خواند. محمدباقر قالیباف از سخنان پزشکیان در مراسم حکومتی ۲۲ بهمن، تقدیر کرده و در جلسه علنی روز یکشنبه ۲۸ بهمن مجلس از او به دلیل این که موضع خامنه‌ای را «فصل الخطاب» خوانده بود تشکر کرد.

پس از این سخنان، مقامات دولت پزشکیان از مواضع خود درباره مذاکره با آمریکا عقب‌نشینی کردند. از جمله فاطمه مهاجرانی، سخن‌گوی دولت، اعلام کرد که مذاکرات با کشورهای اروپایی ادامه خواهد داشت و «همه به‌خوبی می‌دانند ایران در شرایطی که مذاکره غیر شرافتمندانه باشد، به آن تن نخواهد داد.»

در همین حال روز یکشنبه حمزه خلیلی، معاون اول قوه قضاییه گفت: «امروز وقتی رهبری می‌گوید با آمریکا مذاکره نمی‌شود کرد، یعنی باید بدون چون و چرا تسلیم باشیم.» او ادامه داد: «آمریکا هیچ‌گاه به پیمان‌ها وفادار نیست و سلطه‌گر است. دین ما اجازه چنین مذاکره‌ای را نخواهد داد.» با وجود این اظهارات مقامات جمهوری اسلامی گزارش‌ها حاکی از تلاش طرفین برای مذاکرات است.

در روزهای گذشته نیز اظهارات مقامات جمهوری اسلامی درباره مذاکره با آمریکا ادامه یافته است. در همین حال شبکه العربیه، شنبه ۲۷ بهمن به نقل از این مقام ارشد دیپلماتیک اروپایی گزارش داد که دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، به دنبال مذاکرات مستقیم و محرمانه با تهران درباره برنامه هسته‌ای این کشور است. او تأکید کرد که «اگر قرار باشد یک دولت آمریکایی بتواند به توافقی با ایران برسد، آن دولت، دولت ترامپ خواهد بود.» به گفته این مقام ارشد اروپایی، اگر دولت آمریکا تا پیش از اکتبر ۲۰۲۵ نتواند با جمهوری اسلامی به توافق برسد، اسرائیل ایران را هدف قرار خواهد داد. رئیس جمهوری آمریکا تاکنون بارها از تمایل خود برای مذاکره با جمهوری اسلامی سخن گفته و در عین حال، احتمال رویارویی نظامی را نیز رد نکرده است.

ترامپ ۲۱ بهمن در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که در «ازای توافق چه پیشنهادی به ایران خواهد داد؟»، به نیویورک پست گفت: «اگر توافق کنیم، اسرائیل آن‌ها را بمباران نمی‌کند.»

این اظهارات در حالی مطرح می‌شوند که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، ۱۹ بهمن تأکید کرد مذاکره با آمریکا «عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نیست» و «هیچ تاثیری» در حل مشکلات کشور نخواهد داشت.

در پی اظهارات خامنه‌ای، سایر مقام‌های جمهوری اسلامی نیز از مخالفت خود با مذاکره با آمریکا سخن گفته‌اند. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ۲۶ بهمن در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ به جامعه جهانی هشدار داد برای مهار برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، زمان زیادی باقی نمانده است. او افزود: جامعه بین‌المللی نباید بیش از این، زمان را تلف کند و باید قبل از آن که دیر شود، با تهران به توافق برسد.

مقام‌های اسرائیلی بارها از احتمال اقدام نظامی علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی سخن گفته‌اند، اما ترامپ ابراز امیدواری کرده که دستیابی به توافق با تهران، ایالات متحده را از حمایت از هرگونه حمله اسرائیل به اهدافی در ایران بی‌نیاز کند.

گیدون سگار، وزیر امور خارجه اسرائیل، ۲۶ بهمن در کنفرانس امنیتی مونیخ تأکید کرد جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به تسلیحات هسته‌ای، مهم‌ترین اولویت اسرائیل به شمار می‌رود.

الماتیور به نقل از یک منبع دیپلماتیک ارشد اسرائیلی گزارش داده دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در مورد جمهوری اسلامی به «تفاهم کامل» رسیده‌اند. به گفته این منبع، اگر توافق هسته‌ای با ایران به دست نیاید دروازه‌های جهنم به روی ایران باز می‌شود. در همین حال مارکو رویو، وزیر خارجه آمریکا، شامگاه شنبه ۲۷ بهمن در اولین سفر خود به خاورمیانه در مقام وزارت خارجه آمریکا، و هم‌چنین پس از پیشنهاد جنجالی دونالد ترامپ برای جابه‌جایی فلسطینیان غزه، وارد اسرائیل شد.

رئیس‌جمهوری آمریکا تاکنون بارها از تمایل خود برای مذاکره با جمهوری اسلامی سخن گفته و در عین حال، احتمال رویارویی نظامی را نیز رد نکرده است.

ترامپ ۲۱ بهمن در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که در «ازای توافق چه پیشنهادی به ایران خواهد داد؟»، به نیویورک پست گفت: «اگر توافق کنیم، اسرائیل آن را بمباران نمی‌کند.»

## نتانیاهو در کنفرانس خبری مشترک با رویو: با حمایت ترامپ کار را در ارتباط با ایران تمام می‌کنیم

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید با مارکو رویو، وزیر خارجه آمریکا در مورد موضوعات مختلفی از جمله ایران گفتگو کرده است. نخست‌وزیر اسرائیل در جریان اولین سفر مارکو رویو به کشورش در قامت وزیر خارجه ایالات متحده گفت که هیچ کدام از موضوعاتی که بین دو طرف مورد بحث قرار گرفت به اهمیت موضوع ایران نبود.

نخست‌وزیر اسرائیل اظهار داشت: «اسرائیل و آمریکا شانه به شانه در کنار هم برای مقابله با تهدید ایران ایستاده‌اند. ما توافق داریم که آیت‌الله‌ها نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند. ما همچنین توافق داریم که تهاجم ایران در منطقه باید عقب رانده شود.»

او ابراز اطمینان کرد که با حمایت دونالد ترامپ این امکان وجود خواهد داشت تا در مورد ایران «کار را تمام کنیم». نخست‌وزیر اسرائیل افزود که کشورش طی ۱۶ ماه گذشته ضربه سنگینی به «محور ترور» ایران در منطقه وارد کرده است.

او اظهار داشت: «پشت هر گروه تروریستی، پشت هر اقدام خشن، پشت هر فعالیت بی‌ثبات‌کننده، پشت هر چیزی که صلح و ثبات را برای میلیون نفر از مردمی که این منطقه را خانه خودشان قلمداد می‌کنند، ایران قرار دارد.»

مارکو رویو نیز گفت که با نخست‌وزیر اسرائیل موافق است که ایران «به تنهایی بزرگترین منشاء بی‌ثباتی در منطقه» است. وزیر خارجه آمریکا همچنین تأکید کرد که ایران امکان دستیابی به سلاح هسته‌ای را نخواهد یافت.

بنیامین نتانیاهو در بخشی از سخنانش تأکید کرد که دونالد ترامپ بهترین دوستی است که اسرائیل تاکنون در کاخ سفید داشته است.

نخست‌وزیر اسرائیل گفتگوهایش با مارکو رویو را «بسیار سازنده» خواند. او چند روز پیش در جریان سفر به واشنگتن با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری جدید آمریکا در کاخ سفید دیدار کرده بود. بنیامین نتانیاهو در بخشی از سخنانش گفت که او و دونالد ترامپ کاملاً با یکدیگر «هماهنگ» هستند.

نخست‌وزیر اسرائیل از موضع واشنگتن در قبال توافق آتش‌بس در غزه و کمک به آزادی سه گروگان اسرائیلی که روز شنبه آزاد شدند تشکر کرد.

## گروه ۷ اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران را محکوم کردند

وزرای امور خارجه گروه هفت با صدور بیانیه‌ای در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ، از برنامه هسته‌ای ایران، دخالت حکومت ایران در مسائل منطقه‌ای، جنگ اوکراین و نقض حقوق بشر در داخل ایران انتقاد کردند.

بیانیه وزرای امور خارجه گروه هفت در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ

شنبه ۱۵ فوریه ۲۰۲۵

متن بیانیه زیر توسط وزرای امور خارجه هفت شامل کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و نماینده عالی اتحادیه اروپا منتشر شد.

متن بیانیه:

وزرای امور خارجه گروه هفت شامل کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا و همچنین نماینده عالی اتحادیه اروپا، برای نخستین بار تحت ریاست کانادا در سال ۲۰۲۵، در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ گرد هم آمدند.

اعضای گروه هفت درباره جنگ ویرانگر روسیه در اوکراین گفت‌وگو کردند. آنان بر تعهد خود به همکاری برای دستیابی به صلحی پایدار و ایجاد اوکراینی قوی و شکوفا تأکید کردند و بار دیگر بر لزوم توسعه ضمانت‌های امنیتی محکم به منظور جلوگیری از تکرار جنگ تأکید نمودند.

اعضای گروه هفت از گفت‌وگوی امروز خود با «آندری سیبیها»، وزیر امور خارجه اوکراین، استقبال کردند. آنان بر نقش مهم گروه هفت در تلاش برای پایان دادن به جنگ در اوکراین تأکید کردند، از جمله از طریق اقدامات ناشی از بیانیه مشترک حمایت از اوکراین، پشتیبانی مالی از اوکراین از طریق استفاده از درآمدهای فوق‌العاده حاصل از دارایی‌های دولتی روسیه، اعمال هزینه‌های بیشتر بر روسیه در صورت عدم مذاکره صادقانه، اعمال سقف قیمت بر نفت و گاز روسیه، و موثرتر ساختن تحریم‌ها علیه روسیه. هرگونه تحریم جدید و اضافی پس از ماه فوریه، باید به این امر بستگی داشته باشد که آیا فدراسیون روسیه واقعاً و با حسن نیت برای پایان پایدار جنگ علیه اوکراین تلاش می‌کند یا نه، به نحوی که امنیت و ثبات بلندمدت اوکراین به عنوان کشوری مستقل و دارای حاکمیت حفظ شود. اعضای گروه هفت بار دیگر حمایت قاطع خود را از اوکراین در دفاع از آزادی، حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی‌اش اعلام کردند.

اعضای گروه هفت درباره کمک‌های دوگانه (دو منظوره) چین به روسیه و کمک‌های نظامی کره شمالی و ایران به این کشور بحث کردند و هرگونه حمایت از روسیه در این زمینه را محکوم نمودند.

اعضای گروه هفت درباره موضوعات سیاسی، امنیتی و بشردوستانه در خاورمیانه، از جمله در اسرائیل، غزه، لبنان، سوریه و ایران، و تعهد خود به پیش‌برد صلح و ثبات منطقه‌ای گفت‌وگو کردند. آنان بر اهمیت صلحی پایدار میان اسرائیل و فلسطین تأکید کردند. اعضای گروه هفت بار دیگر حمایت خود را از اجرای کامل آتش‌بسی که میان اسرائیل و حماس برقرار شده، از جمله آزادی تمامی گروگان‌ها و گسترش کمک‌های بشردوستانه در غزه، اعلام کردند. گروه هفت از تلاش‌های مستمر مصر، قطر و ایالات متحده برای دستیابی به آتش‌بس دائمی حمایت می‌کند. آنان بار دیگر محکومیت قاطع خود را نسبت به حماس اعلام کرده و بر لزوم جلوگیری از بازسازی توان نظامی این گروه یا مشارکت آن در حکومت تأکید کردند. همچنین، آنان حق ذاتی اسرائیل برای دفاع از خود را، مشروط به رعایت قوانین بین‌المللی، به رسمیت شناختند.

اعضای گروه هفت اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران را به‌طور قاطع محکوم کردند، از جمله: پیشرفت سریع در غنی‌سازی اورانیوم بدون توجه غیرنظامی معتبر، حمایت از سازمان‌های تروریستی و گروه‌های مسلح در سراسر خاورمیانه و دریای سرخ، گسترش موشک‌های بالستیک و پهپادها، و سرکوب فرامرز و نقض حقوق بنیادین بشر.

اعضای گروه هفت، همچنین درباره وضعیت‌های اضطراری ناشی از درگیری و بی‌ثباتی در نقاط دیگر جهان، از جمله در جمهوری دموکراتیک کنگو و سودان، و نیز در هائیتی و ونزوئلا، گفت‌وگو کردند.

...



## نتیجه گیری

ایران، با وجود ذخایر عظیم نفت و گاز، اکنون با بحران بی سابقه انرژی دست و پنجه نرم می کند. مدیریت ناکارآمد، زیرساخت های فرسوده، الگوهای مصرف بی رویه و تحریم های طولانی مدت، جامعه ایران را در آستانه فروپاشی قرار داده است. ادارات دولتی تعطیل یا با ظرفیت محدود فعالیت می کنند، مدارس و دانشگاه ها به آموزش آنلاین روی آورده اند، بزرگراه ها و مراکز خرید در خاموشی فرو رفته اند، و بسیاری از کارخانه ها فعالیت خود را متوقف کرده اند. این شرایط در حالی رخ می دهد که کشور با سرمای شدید زمستانی مواجه است. دولت های ایرانی در طول ۴ دهه و نیم گذشته، تا آن جا که می توانسته اند و ممکن بوده، منابع در دسترس در اقتصاد ایران را هزینه کرده اند. اما نحوه و شکل این خرج کردن ها، تقریباً همواره به نوعی بوده که پرکردن جیب آفازدها و تعمیق فساد سیستماتیک در همه نهادها و سران و مقامات نظام و در مقابل، خالی تر کردن جیب اکثریت مردم و نسل جوان شده است.

همین چند ماه پیش، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی گزارش داد که دولت ایران طی سال های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ خورشیدی، ملزم به پرداخت بیش از ۵۰۰ تریلیون تومان (۵۰۰ هزار میلیارد تومان) اصل و سود اوراق قرضه ای است که در سال های گذشته منتشر شده است. این در حالی است که پیش از این، دیوان محاسبات کشور گزارش داده بود که در شهریورماه سال ۱۴۰۰، کل بدهی های خالص دولت از هزار تریلیون تومان (۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان) فراتر رفته است. اکنون در دولت بحرانی تر پزشکیان، خیلی بیش تر شده است. بحران ورشکستگی صندوق های بازنشستگی را از نفس انداخته است. داده های جسته گریخته نشان می دهند که حدود ۱۷ صندوق بازنشستگی در کشور ورشکسته هستند، به این معنی که برای پرداخت حقوق و مستمری بخور و نمیر بازنشستگان، هر ماه نیازمند کمک دولت هستند. بحران بیکاری، بسیار عظیم تر است. اقتصاد ایران اکنون تنها به اندازه ۲۶ میلیون نفر شغل ایجاد کرده است و این در حالی است که نزدیک به ۳۰ میلیون نفر دیگری که در سن کار (بین ۱۵ تا ۶۵ سال) قرار دارند، خارج از ساختار رسمی اشتغال قرار دارند. «لشگر بیکاران» بی اندازه ترسناک است. بحران فقر، بحران فزاینده در ایران است. گزارش های رسمی (از جمله گزارش سازمان تامین اجتماعی)، نشان می دهد که حدود ۳۰ درصد از ایرانی ها زیر «خط فقر مطلق» هستند. اما گزارش های غیررسمی، این میزان را تا ۵۰ درصد هم برآورد کرده اند. در واقع، بین ۳۰ تا ۵۰ درصد از ایرانی ها در شرایط مردم آفریقا زندگی می کنند.

کل زیست اجتماعی مردم به شکل فراگیر درگیر خشونت است. آیا می توان ۳۰ هزار کشته جاده را متوقف کرد؟ آیا افزایش جریمه ها جواب داده است؟ پاسخ منفی است. پس با بگیر و ببند و مجازات های سنگین هم اتفاقی رخ نمی دهد. باید همه چیز را متوقف کرده و تغییر اساسی داد. جمع شدن این همه بحران در یک کشور، اگر نگوییم بی سابقه، کم سابقه است. حل و فصل همه این مشکلات در حالی که اعتماد عمومی روزبه روز آب می رود، دولت ایران زمین گیر شده است و اقتصاد ایران به شدت تحت تحریم است، بسیار دشوار خواهد بود.

ایران همیشه بحرانی بوده است. آن چه تنش های اخیر را بحرانی جلوه می دهد، افزایش نارضایتی ها در سطوح مختلف و متفاوت مردم است. نارضایتی هایی واقعی و به جا که ماحصلی جز ایجاد فضایی هیستریک و از قضا دورتر از عقلانیت نخواهد داشت. ایران بحران واقعی را در سال ۵۷ تجربه کرده است؛ با مرور سخنان شاه و سلطنت طلبان، در آن دوران به معنای واقعی بحران پی خواهیم برد؛ ناباوری، بهت و سردرگمی از رخدادهایی که یکی پس از دیگری روی می داد و حکومت را گیج و گنگ ساخته بود.

بحرانی که سبب ساز انقلاب بود و تلنباری از خرده اسباب تاریخی آن را رقم زده بود. این گونه بود که حکومتی در اوج اقتدار، سیل بحران آن را فرو بلعید. این روزها و در ۴۶ ششمین سالگرد انقلاب ۵۷، شرایط اجتماعی، اقتصاد و سیاسی ایران بسیار پرتنش است. تنش های واقعی و گاه جعلی به جامعه ایران پمپاژ می شود؛ تنش های خرد و کلان برای ازپانداختن انقلابی جمهوری اسلامی که برآمده از دل مردم است. اقتصاد ایران با بهمنی از بحران های ریز و درشت مواجه است؛ از ورشکستگی آبی گرفته تا ورشکستگی بانک ها و صندوق های بازنشستگی و بحران نبود اعتماد اجتماعی.

راه های خروج از این همه کدامند؟ راه رهایی از این همه سرکوب و وحشت و فقر چیست؟ حدود یک قرن پیش جواب مردم ایران به بحران های دوره خود، «انقلاب مشروطیت» بود. ۴۶ پیش نیز در حاکمیت دیکتاتوری پهلوی، جواب مردم ایران انقلاب ۵۷ بود. اکنون نیز هیچ راهی جز انقلاب سوم، در مقابل مردم ایران باقی نمانده است. با این تفاوت که اکنون جامعه ایران بسیار باسوادتر، آگاه تر و با تجربه تر است و به همین دلایل، این بار اجازه نخواهند داد شاه و شیخ انقلاب شان سرکوب کند و به انحراف بکشاند. انقلاب سوم مردم ایران، انقلابی اجتماعی-سیاسی به معنای واقعی برای رسیدن به آزادی، برابری و عدالت اجتماعی و به طور کلی ساختن یک جامعه نوین مبتی بر وسیع ترین حقوق و آزادی های فردی و جمعی و خودمدیریت دموکراتیک جمعی و شورایی است! جامعه ای که آشتی بین انسان و طبیعت متحقق شود. دنیای کودکان شادتر و زیباتر گردد.

جامعه نوینی که در آن، هرگونه تبعیض به ویژه ستم ملی و جنسیتی و طبقاتی جایی نداشته باشد و همه شهروندان در اداره و ساختن جامعه نه به شکل نیابتی، بلکه برعکس مستقیماً دخیل و تاثیرگذار باشد و به اندازه نیازشان از دستاوردهای جامعه سهم ببرند!

یکشنبه بیست و هشتم بهمن ۱۴۰۳- شانزدهم فوریه ۲۰۲۵

## ضمیمه:

کانون نویسندگان ایران: چرخه وحشت زنا و نفرت انگیز اعدام را متوقف کنید  
صدور احکام اعدام پخش عزیزی، وریشه مرادی و شریفه محمدی و به دنبال آنها احکام اعدام بهروز احسانی و مهدی حسنی و پس از آن منوچهر فلاح و پژمان سلطانی، آخرین حلقه های زنجیره ای اعدام هایی است که در چند دهه ای اخیر بی وقفه ادامه داشته است. حاکمیتی که از ابتدای استقرار، حکم اعدام

مخالفان را در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای صادر و پیکر اعدام‌شدگان را روانه‌ی گورهای بی‌نشان می‌کرد، هرگز چرخه‌ی وحشت‌زا و نفرت‌انگیز اعدام را متوقف نکرده است.

امروز نیز، همچون گذشته، این‌گونه احکام در فقدان هرگونه دادرسی عادلانه و محرومیت محکومان از حق طبیعی دفاع، یعنی در شرایطی صادر می‌شود که زندانی در معرض تهدید و ارباب و انواع فشارهای جسمی و روحی است، به وکلای بی‌طرف و انتخابی اجازه‌ی حضور یا دخالت واقعی و قانونی در دادرسی داده نمی‌شود؛ و زندانی نیز از دسترسی به دنیای بیرون و امکان فراهم آوردن مدارک و مستندات لازم برای دفاع از خود و برخورداری از هیئت منصفه‌ی مستقل یکسر محروم است و جلسات دادگاه پشت درهای بسته و بدون حضور مطبوعات و مردم برگزار می‌شود. در «جرائم سیاسی» احکام اعدام دستاویزی برای کشتار مخالفان سیاسی در پوشش حقوقی، و در جرائم عمومی نیز واکنشی کور در برابر فجایعی است که نظام حاکم، خود مسبب اصلی آنها است و در واقع قربانیان این ناهنجاری‌ها را به کیفر می‌رساند و این احکام بدون کمترین توجهی به ستم و بی‌عدالتی حاکم، شکاف طبقاتی ستمگرانه و دیگر علل و دلایل اجتماعی و اقتصادی و ناهنجاری‌های موجود صادر می‌شود.

کانون نویسندگان ایران از منظر مخالفت با نفس اعدام به‌عنوان یک مجازات- که به گواهی آمارهای موجود تاکنون نه در ارباب جامعه در عرصه‌ی سیاسی، و نه در اصلاح و کاهش کژرفتاری‌های اجتماعی در جرائم عمومی کمترین اثری داشته و به عکس، موجب تشدید و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی شده است- صدور احکام اعدام را محکوم می‌کند و خواهان توقف این ماشین نفرت‌انگیز تولید جسد و تشدید توحش، و لغو بی‌چون و چرای همه‌ی احکام اعدام صادره است. صدور حکم اعدام برای پخش‌ان عزیز، و ریشه‌مرادی، شریفه محمدی، بهروز احسانی، مهدی حسینی، منوچهر فلاح و پژمان سلطانی فقط گواهی آشکار بر استبداد و آزادی‌کشی حاکمیت است.

کانون نویسندگان ایران

۲۷ بهمن ۱۴۰۳